

# رادیو ایرانیا خارج نشین

رضا مختاری اصفهانی

## چکیده:

این مقاله بر آن است تا با ارائه‌ی سابقه‌ای از روابط ایرانیان مقیم خارج با دولت ایران و نقش آنان در تحولات داخلی، به نگاه دولت پهلوی به آنان بر مبنای ایدئولوژی خود بپردازد. نگاهی که در تأسیس و فعالیت رادیو به عنوان رسانه‌ی مهم و تأثیرگذار قابل توجه است. واژه‌های کلیدی: رادیو/ ایرانیان مقیم خارج/ دولت پهلوی/ رضاشاه/ ملی‌گرایی/ محمدرضاشاه

## پیشینه:

ایرانیان خارج‌نشین در تحولات و معادلات سیاسی - اجتماعی ایران معاصر همواره تأثیرگذار و مورد توجه بوده‌اند. اگر در دوره قاجاری ایرانیان بی‌شماری از طبقات گوناگون خانه پدری را وانهاده و در سرزمین‌های دیگر مأوا گزیدند، با این همه از طرق مختلف سعی کردند نسبت به حوادث داخلی زادگاه و خاستگاه خود حساسیت نشان دهند. ایرانیانی که در هند، قفقاز، عثمانی و عراق در کسوت روزنامه‌نگار، تاجر، نظامی، کارگزار دولتی، روحانی و... بودند، با استفاده از دوربودن از ایران و فضای مناسبی که در اختیارشان بود، به نقد نظام سلطنت قاجاری پرداختند. دقت در آثار منتشره حوزه روشنفکری و پیشنهادهای اصلاحی در این دوره نشان می‌دهد که ایرانیان خارج‌نشین بیشترین سهم را در این حیطة حایزند.

اگر مؤید الاسلام کاشانی روزنامه حبل‌المتین را در کلکته هند منتشر می‌ساخت، حاج تقی نفتچی، تاجر مقیم باکو، این روزنامه را برای علمای مقیم نجف اشرف آبونه کرد تا آنان را از این طریق با تحولات روز درگیر سازد. بعدها همین ایرانیان در پیروزی انقلاب مشروطه و حوادث پس از آن نقش آفرینی کردند. مراجع ثلاث نجف با فتاوی حمایت‌آمیز خود از مشروطه، توده‌های مذهبی را به عرصه کشاندند. بعضی از ایرانیان مهاجر قفقاز نیز با عنوان مجاهدین و بعدها

با عنوان کنایه‌آمیز مجاهدین بمب‌انداز در مقابله با مستبدین مخالف مشروطه با نهایت درگیری و ستیزه پیش رفتند.

با به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی توسط محمدعلی‌شاه، هر چند تبریز کانون مقاومت در برابر استبداد محمدعلی‌شاهی بود، اما این فتاوی مراجع نجف بود که کسانی چون ستارخان و باقرخان را به وظیفه شرعی‌شان در مقابله با استبداد آگاه ساخت. همچنین انجمن سعادت اسلامبول متشکل از گروهی از مشروطه‌خواهان نجات یافته از انتقام مستبدین باغ شاه، مرکزی برای سامان مقابله با مستبدین و حامیان روسشان بود. گروهی هم در لندن و برلین در پی آگاه کردن افکار عمومی غرب از وضعیت داخلی ایران بودند.

## دولت پهلوی و گفتمان ناسیونالیسم

هر چند انقلاب مشروطه در رسیدن به آمال خود ناکام ماند، اما گفتمان تجدیدی که در دوره مشروطه آغاز شده بود، در دوره رضاشاه پی‌گرفته شد. از جمله اجزای این گفتمان، ناسیونالیسم است. گفتمانی که اهداف گوناگونی همچون تقویت دولت مرکزی، عرفی کردن حکومت، تشکیل دولت مدرن و... را تأمین می‌کرد. هر گفتمانی برای حاکم شدن، نیازمند هویت سازی است. این هویت بر مبنای ایجاد «خود» در مقابل «غیر» است. «خود» ی که در گفتمان ناسیونالیسم دوره پهلوی اول مدنظر بود، نژاد ایرانی بود که در مقابل «غیر» با محوریت اعراب و ترکان قرار می‌گرفت. هویت نژادی این گفتمان، گستره حاکمیت باستانی ایران را دربرمی‌گرفت. گستره‌ای که از هندوستان تا مرزهای اروپا را دربرمی‌گرفت. اگر در این دوره، گستره مزبور تحت حاکمیت دولت ایران قرار نداشت، اما جزء حوزه فرهنگی ایران محسوب می‌شد و بسیاری از ایرانیان مهاجر در این مناطق زندگی می‌کردند. برخلاف دوره قاجاری که بسیاری از ایرانیان خارج‌نشین در تقابل و تضاد با حکومت ایران قرار داشتند، در این دوره

از این نویسندگان، معتقد بود بایستی به استقلال زبان فارسی برسیم، بدین معنا که «باید آنچه ممکن است لغات فارسی را جمع‌آوری کرده، به کار برد و آنچه دسترسی به لغات فارسی نداریم و از داشتن آنها ناگزیریم، لغات عربی را قبول کرده، ولی عده‌آنها را معین و محدود کنیم، به عبارت دیگر آنها را رسماً فارسی بشناسیم.» این آرزو در دوره رضاشاه با تأسیس فرهنگستان جامه عمل پوشید و حتی فرهنگستان پافراتر نهاد و سعی در لغت‌سازی به جای واژگان عربی داشت. یعنی همان پیشنهادی که سال‌ها قبل از حسین کاظم‌زاده، مدیر مجله ایرانشهر، داده بود.

تأکید بر زبان فارسی علاوه بر تعریف هویت جدید برای ایرانیان داخل، تعریفی از «خود» ایرانیان خارج‌نشین در مقابل دیگر اتباع سرزمین‌هایی بود که آنان را در خود جای داده بودند. بر این اساس، آنان در سرزمین‌های بیگانه متحدانی برای دولت ایران و حافظ منافع آن بودند.

#### تأسیس رادیو

اگر در روزگار قاجاری، ایرانیان خارج‌نشین به ویژه روشنفکران با چاپ و انتشار کتب، مجلات و روزنامه‌ها سعی داشتند بر افکار عمومی داخل تأثیر گذارند، با به سلطنت رسیدن رضاشاه، بسیاری از آنان به خدمت رژیم جدید درآمده و در اجرای گفتمان خود از طریق نهادهای دولتی کوشیدند. مراکز آموزشی و تبلیغی بسیاری در خدمت این گفتمان درآمد، رادیو اما مهم‌ترین ابزار رسانه‌ای و تبلیغی بود. رسانه‌ای که در واپسین سالهای سلطنت رضاشاه پا به عرصه اجتماع ایران نهاد. رادیو به سرعت و سهولت فراوان می‌توانست همزمان ایرانیان داخل و خارج را تحت تأثیر تبلیغات خود قرار داده و آن احساس یگانگی میان آنان را ایجاد کند. رادیو در داخل، مدرنیسم و ناسیونالیسم را ترویج می‌کرد، اما برای ایرانیان خارج، گفتمان ناسیونالیسم بیشتر مدنظر بود.

با افتتاح ایستگاه رادیو در چهارم اردیبهشت ۱۳۱۹، وزارت امور خارجه از سفرای ایران در کشورهای همجوار خواست از انعکاس این اقدام و برنامه‌های رادیو در آن کشورها گزارش دهند. حساسیت دولت ایران به پخش مناسب صدای رادیو ایران در کشورهای منطقه نشان از اهمیت مخاطبان ایرانی در این مناطق دارد. شاید بتوان این اهمیت را از نامه محمدجعفر رفیعی، ایرانی مقیم کویت، دریافت. آنجا که می‌نویسد: «واقعاً از بدو گشایش یافتن رادیو تهران، ما ایرانیان این شهر بلکه تمام ایرانیان که دور از میهن گرامی خود هستند، احساس دوری و فراق میهن عزیز خود می‌کردند و آرزوی شنیدن صدا و آواز هم‌میهنان خود را از دور داشتند، اینک به قدرت خدا و دست توانای قائد عظیم‌الشان و زنده‌کننده ایران‌نو، اعلیٰ حضرت همایون شاهنشاه رضاشاه پهلوی آرزوی دیرینه ما فراهم و قلب‌های ما را با

همنوايي‌هایی با رژیم تازه تأسیس داشتند. به طوری که در هندوستان انجمن‌هایی از مسلمانان شیعی تا زرتشتیان (پارسیان) در پیوند با دولت ایران تشکیل شد. تأکید بر ملی‌گرایی و هویت نژادی وجه شاخصه و مشترک این انجمن‌ها بود. علاوه بر هند، باکو، استامبول، قاهره و نجف اشرف از دیگر نقاطی بودند که ایرانی تباران در حمایت از دولت جدید و پیوند با آن انجمن‌هایی فرهنگی و اجتماعی تشکیل دادند. جالب این که «انجمن خیری ایرانیان مصر» در ابزار وفاداری به رژیم جدید در ایران نام خود را به «پهلوی» تغییر داد.

تأکید بر هویت نژادی علاوه بر یادآوری قدرت باستانی ایران در سرزمین‌های وسیع، ایرانیان پراکنده در این گستره را به خدمت گفتمان ملی‌گرایی وایدئولوژی دولت پهلوی درمی‌آورد. ایرانیانی که شاید بیش از یکی از دو نسل در این سرزمین‌ها موطن گزیده بودند که از آن جمله پارسیان زرتشتی مذهب هند بودند. از همین‌رو نژاد در جایگاهی برتر از مذهب می‌نشست و در نظر محمود افشار یزدی، یکی از نظریه‌پردازان این دوره، «زرتشتی‌ها اگر چه از حیث مذهب با مسلمانان ساکن ایران یکی نیستند و قرن‌ها است که با سایر ایرانیان نیز ازدواج نمی‌کنند، ولی از حیث نژاد و تاریخ چند هزار ساله یکی می‌باشند.» بر این اساس، پارسیان هند در اشتراک نژادی با ایرانیان قرار داشتند که این اشتراک نشأت گرفته از تاریخ و پیشینه‌ای مشترک بود.

زبان فارسی، دیگر پیوند دهنده ایرانیان داخل و خارج بود. زبانی که «خود» ایرانی را در برابر آن «غیر» تشخیص می‌بخشید. از آن جایی که این «غیر» بیشتر در اعراب جلوه‌گر بود، پالایش زبان فارسی از لغات عربی در دستور کار قرار داشت. اندیشه‌ای که از دوره قاجار و توسط افرادی چون میرزا فتحعلی آخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی آغاز شده بود، در دوره پیش از سلطنت رضاشاه توسط ایرانیان غرب‌نشین پی‌گرفته شد. از جمله این افراد، نویسندگان مجله ایرانشهر بودند که برای اصلاح زبان فارسی از این دریچه می‌کوشیدند. تقی ارانی، یکی

#### تأکید بر زبان فارسی علاوه

بر تعریف هویت جدید برای

ایرانیان داخل، تعریفی از

«خود» ایرانیان خارج‌نشین

در مقابل دیگر اتباع

سرزمین‌هایی بود که آنان

را در خود جای داده بودند.

بر این اساس، آنان در

سرزمین‌های بیگانه متحدانی

برای دولت ایران و حافظ

منافع آن بودند.

می‌توان مفاهیم گوناگون را منتقل کرد. در واقع این شعر و موسیقی است که می‌تواند زبانی را به اقوام و ملل دیگر منتقل کند. گزارش سفارت ایران در بغداد حاکی است بخش موسیقی رادیو تهران با استقبال عراقی‌ها اعم از ایران و غیرایرانی مواجه شده است:

«... موزیک ایرانی در اهالی بغداد چه از ایرانی و چه از اعراب تأثیر فوق‌العاده دارد و یکی از ایرانیان کاظمین نقل می‌کرد در موقعی که رادیو تهران مشغول نواختن موزیک ایران بوده، اضافه بر مردمانی که در قهوه‌خانه نشسته بودند، عده‌ای دیگر از عابرین جلوی درب قهوه‌خانه تجمع نموده و حتی بعضی‌ها برای استماع روی زمین و در وسط کوچه نشسته بودند. بنابراین هراندازه موزیک ایرانی را بیشتر نمایند، بهتر خواهد بود.»

گفتمان ناسیونالیسم پهلوی اول هویت مذهبی را نادیده گرفته بود و آنچه را به عنوان عامل پیوند ایرانیان برمی‌شمرد نژاد و زبان بود. از همین رو گفتارهای مذهبی حتی از نوع نوگرایانه و تجدید نظرطلبانه آن که توسط افرادی چون سیداحمد کسروی، شریعت سنگلجی و حکمی‌زاده تبلیغ می‌شد، در رادیوی رضاشاهی جایگاهی نداشت. در حالی که اکثر ایرانیان مقیم عراق در ارتباط با علمای مذهبی بودند.

#### رادیو پس از رضاخان

چنانکه آمد، گفتمان ناسیونالیسم پهلوی اول نسبت به هویت مذهبی ایرانیان به عنوان یک عامل پیوند غافل بود. سیاست تمرکزگرایی رژیم که سعی در یکسان‌سازی فرهنگی اقوام ایرانی داشت، با بحران شهریور ۱۳۲۰ و خروج رضاخان از کشور با واگرایی‌هایی در آذربایجان و کردستان مواجه شد. هرچند سیاست خارجی در این امر بی‌تأثیر نبود، اما نایستی از تأثیر سیاست تمرکزگرایی دوره رضاخان غفلت کرد. سیاستی که حداقل مذهبیبون را به انفعال واداشته بود. به طوری که حتی دولت سعی در کنترل و نظارت بر نهادهای مذهبی با اعمال سیاست‌هایی چون اتحاد لباس، جواز لباس به روحانیون از طریق دولت و مؤسسه وعظ و خطابه داشت. پس از شهریور ۱۳۲۰ گفتمان ناسیونالیسم دچار تحول گردید. تحولی که موجب ورود مذهبیبون به رادیو شده و اولین برنامه مذهبی رادیو در ششم بهمن ماه ۱۳۲۰ پخش گردید. در واقع احترام به خرده فرهنگ‌های اقوام موجود در ایران و توجه به هویت مذهبی در گفتمان ناسیونالیسم از تحولاتی بود که در ناسیونالیسم ایرانی از پی شهریور ۲۰ رخ داد. در این دوره مذهب در کنار نژاد و زبان به عنوان یکی از اجزای این گفتمان شناخته شد. از همین رو علاوه بر گفتارهای مذهبی رادیو تهران، برای نخستین بار قرآن با ترجمه فارسی از رادیو تبریز پخش شد. به نظر می‌رسد کارگزاران رادیو دریافته بودند با تقویت گفتمان مذهبی بهتر می‌توان به همگرایی اقوام گوناگون ایرانی کمک کنند.

یکدیگر آشنا کرد و ما هر شب به استقبال صدا و آوازهای هم‌میهنان گرامی خود شتافته و با قلب‌های سرشاری از آنها محظوظ می‌شویم. واقعاً دیگر حس فراق از میهن خود ننموده و مانند این که با هم‌میهنان خود در یک جا به سر می‌بریم...» در سطور نامه رفیعی می‌توان گفتمان ملی‌گرایی را مشاهده کرد. گفتمانی که رضاشاه را مظهر و جلوه ملیت ایرانی و وارث عظمت باستانی ایران می‌دانست. چنانچه سازمان پرورش افکار، مجری عمومی‌کردن ایدئولوژی رژیم، ترویج «میهن‌دوستی و شاه‌پرستی» را ملازم یکدیگر می‌دانست. بعدها نیز در اسفندماه ۱۳۱۹، اداره کل انتشارات و تبلیغات، متولی رادیو، «تقویت حس شاه‌دوستی و میهن‌پرستی» را در کنار «گوشزد کردن مفاخر ملی و باستانی برای استوارکردن بنیان وحدت ملی» در دستور کار تبلیغاتی خود قرار داد. همچنین پیوند میان ایرانیان داخل و خارج و یکسان‌سازی فرهنگی آنان از دیگر پیامدهای رسانه نوظهور بود که در نامه مذکور به آن اشاره شده است.

در این میان عراق از جایگاه خاصی در بین کشورهای همجوار ایران برخوردار بود. کشوری که روزگاری تیسفون، پایتخت ساسانیان را در خود جای داده بود و ایران مداین یادگاری از آن دوران است. همچنین علاوه بر قوم کهن کرد که پیشینه مشترک نژادی با ایرانیان دارد، تعداد کثیری از ایرانیان در این سرزمین زندگی می‌کردند. وجود قبور ائمه شیعه در عراق موجب روابط وثیق ایرانیان داخل با این کشور گردیده بود. امری که با حوزه علمیه نجف اشرف و حضور مراجع دینی پررنگ‌تر می‌نمود. علاوه بر مدارس علوم دینی، مدارس ایرانی به سبک جدید در این خطه فراوان بود و حوزه نفوذ این مدارس به بصره و بغداد نیز می‌رسید. از همین رو نفوذ فرهنگی ایران در این کشور چنان بود که صادق نشأت، سرپرست آموزشگاه‌های ایرانیان در عراق، درباره استقبال اهالی عراق از افتتاح رادیو می‌نویسد: «لازم نیست گفته شود که مردم این سامان و مخصوصاً ایرانی‌ها که عده معتناهایی هستند، چقدر به رادیوی تهران علاقه‌مند می‌باشند و حقیقتاً روزی که مژده افتتاح آن رسید، از ذوق و شمع در پوست خود نمی‌گنجیدند. آنهایی که رادیو در منزل داشتند، در ساعات معین در منزل خود برای استماع حاضر و آنهایی هم که در منزل رادیو نداشتند، به وسایل ممکنه خود را به یکی از منازل دوستان که دارای رادیو بودند، رسانده و با عشق هر چه تمام‌تر حاضر برای استماع شدند.»

چنانکه آمد، زبان فارسی یکی از راه‌های پیوند دهنده ایرانیان داخل و خارج بود. نکته‌ای که مورد توجه متولیان رادیو قرار داشت و در دستورالعمل اداره کل انتشارات و تبلیغات در سال آغازین تأسیس رادیو، «ترویج درست‌نویسی و درست‌گویی و دلبستگی به زبان و ادبیات ملی» مورد تأکید قرار گرفته بود. از جمله عواملی که زبان فارسی را در طول حیاتش حفظ و جاودانه کرده، شعر و موسیقی است. جنبه‌ای که در جذب توده‌های بی‌سواد مؤثر است و از طریق آن

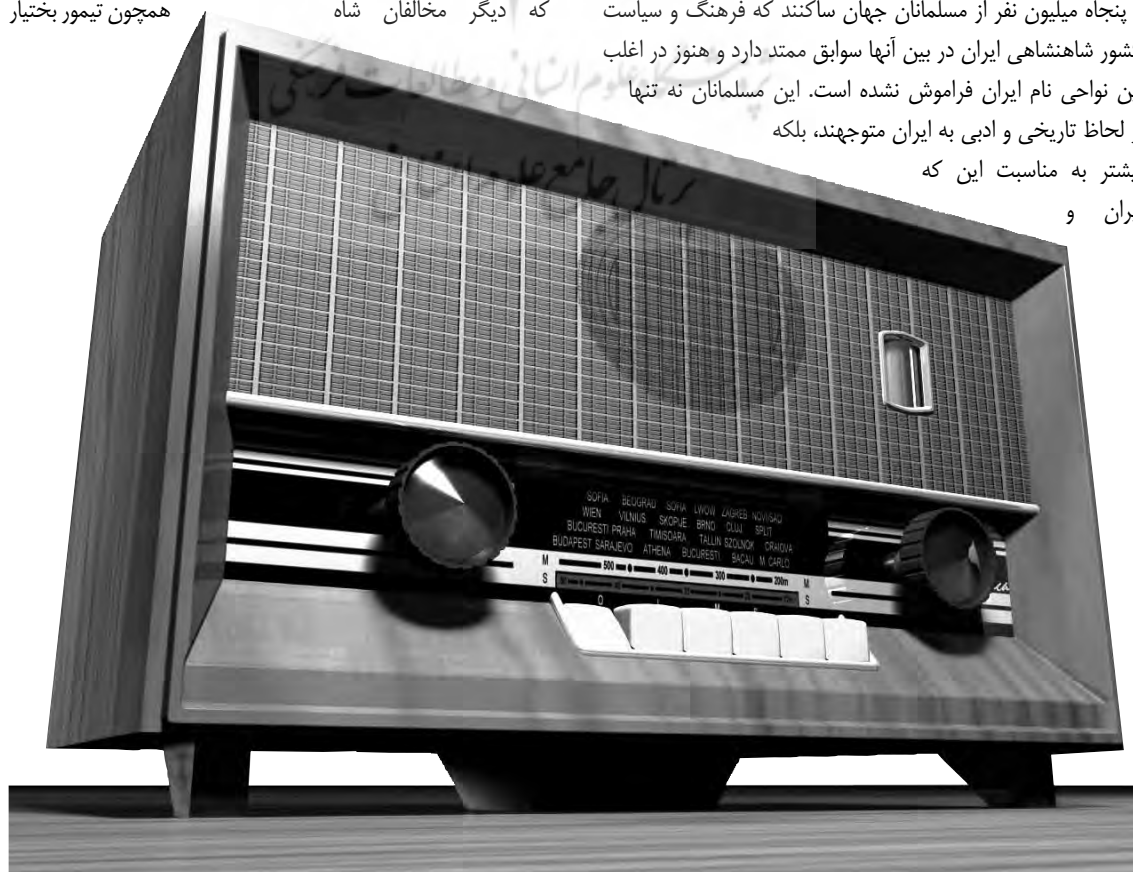
سرزمین خراسان مدفن حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام می‌باشد، به ایران به طور عموم و به خراسان به طور خاص با دیده احترام و تقدس می‌نگرند و انتظار دارند که از آن ناحیت مقدس اخباری بشنوند و لاقلاً به وسیله امواج رادیو خود را با کشور ما مربوط سازند. « حکمت همچنین به حضور «جمع کثیری از ایرانیان در این کشورها» اشاره می‌کند با این که «اجدادایشان به این کشورها آمده‌اند [اما] اخلافشان هنوز به ایرانی بودن فخر می‌کنند» از همین رو او پیشنهاد می‌کند «لاقل برای خاطر جلب علاقه و حس میهن‌پرستی ایشان هم که باشد، باید دستگاه فرستنده مشهد تقویت گردد. »

در واقع چنین گفتگویی همان بازگشت به نظریه پادشاه شیعه بود که نهاد سلطنت ایران را حامی و مدافع شیعیان جهان می‌دانست. بر همین مبنا بود که بسیاری از علمای شیعه با تمامی انتقاداتی که به سیاست‌های رژیم داشتند، حفظ آن را ترجیح می‌دادند. دورشدن محمدرضا شاه از این وضعیت و بازگشت به گفتگمان پدر که منجر به حمله به علما و اتصاف آنان به «ارتجاع سیاه» گردید، نهاد روحانیت را در مقابل نهاد سلطنت قرار داد. این اتفاق موجب شد رادیو نیز در برنامه‌های خود بازگشت به گذشته داشته باشد تا آنجا که در آغاز سال ۱۳۴۲، شهربانی از متوقف شدن اذان ظهر از رادیو خبر داد. قیام ۱۵ خرداد همان سال، توده‌های مذهبی را در مقابل رژیم قرار داد. جنبشی که مرجعی دینی را به عنوان رهبر در رأس خود داشت. رویارویی آیت‌الله خمینی با رژیم محمدرضا پهلوی منجر به تبعید وی از ایران شد. وی پس از چندی تبعید در ترکیه، برای ادامه این دوران عازم نجف اشرف گردید.

این تبعید کانونی از مخالفان رژیم را در عراق فراهم آورد. کانونی که دیگر مخالفان شاه همچون تیمور بختیار

این تحول موجب شد که بخش اعظمی از ایرانیان مقیم خارج با دولت مرکزی همراه گردند و علاوه بر این برفراز ملت‌های حاضر در حوزه فرهنگی ایران از لحاظ مذهبی با دولت ایران احساس یگانگی کنند. البته در این دوره سعی بر آن بود توجه به گفتگمان مذهبی موجب انشقاق و واگرایی پیروان مذاهب دیگر نگردد. این نکته به ویژه درباره مرزنشینان و ایرانیان خارج نشین مورد توجه بود. اتباعی که بیشتر مورد سوء استفاده و بهره‌برداری‌های سیاسی دولت‌های خارجی بودند. از همین رو با عنایت به تحولاتی که در برنامه‌های رادیو پس از پایان اشغال ایران توسط متفقین رخ داده بود، کمیسیون تجدیدنظر در برنامه‌های رادیو در هفتم بهمن ماه ۱۳۲۶ تشکیل شد. در این کمیسیون در این باره گفته شد: «نباید فراموش کنیم که در شمال و شمال غربی و باختر و قسمتی از بنادر جنوب ایران پیروان تسنن زیاد هستند و به علاوه عده‌ای از ایرانی‌های مقیم عراق هم سنی بوده و به این جهت نباید سخنرانان مذهبی مطالبی بگویند که باعث تکدر خاطر آنان گردد. »

براساس همین تحول بود که علی‌اصغر حکمت، سفیر ایران در دهلی‌نو، که خود روزگاری مجری سیاست‌های تمرکزگرای فرهنگی رضاشاه بود، در نامه‌ای به تاریخ چهاردهم دی ماه ۱۳۳۳، تقویت رادیو مشهد را برای جذب مخاطبان شیعی مذهب شبه قاره هند خواستار شد. اگر در دوره رضاشاه به این مناطق به عنوان گستره حاکمیت شاهان باستانی ایران نگریسته می‌شد، در این زمان به عنوان سرزمین‌های تحت تأثیر فرهنگ دینی ایران مورد توجه بودند. علی‌اصغر حکمت در این باره می‌نویسد: «در کشورهای افغانستان و پاکستان و هندوستان و بیرمانی و اندونزی و چین و سایر بلاد مشرق زمین متجاوز از دویست و پنجاه میلیون نفر از مسلمانان جهان ساکنند که فرهنگ و سیاست کشور شاهنشاهی ایران در بین آنها سوابق ممتد دارد و هنوز در اغلب این نواحی نام ایران فراموش نشده است. این مسلمانان نه تنها از لحاظ تاریخی و ادبی به ایران متوجهند، بلکه بیشتر به مناسبت این که ایران و



و برخی از نیروهای چپ را تحت تأثیر قرار داد. از همین رو با آغاز جنگ اعراب و اسرائیل در خرداد ماه ۱۳۴۶، رژیم برای امور تبلیغاتی خود اهمیت ویژه‌ای قائل شد. هر چقدر او به اسرائیل و غرب نزدیک بود، مخالفانش با اعراب و فلسطینی‌های همسو و هم‌نوا بودند. بر این اساس، رژیم برای مقابله با سیاست‌های تبلیغی دولت عراق، عمده‌ترین نیروی جبهه اعراب، تصمیم گرفت به رادیو اهواز و بخش عربی رادیو ایران توجه خاصی نشان دهد. آنچه از گزارش‌های ساواک برمی‌آید، تأثیر برنامه‌های رادیو اهواز بر «اهالی عرب عراق» است و از استقبال «جوانان و شیوخ عرب» خبر می‌دهد. در واقع این اتباع عرب عراق بودند که مخاطبان رادیوهای ایران و اهواز بوده و اکثریت ایرانیان مقیم عراق نیز با مخالفان سیاسی رژیم همسو بودند. رژیمی که با اکثریت مذهبی جامعه درگیر شده و توسط رادیو بغداد به مخالفت با مذهب و اصول مذهبی متهم می‌شد. اگر در گذشته ایرانیان خارج‌نشین به عنوان حافظ منافع دولت ایران مخاطبان رادیو تهران بودند، اینک گروه‌های مخالف دولت عراق به مخاطبان رادیو ایران تبدیل شده بودند. مخالفان دولت در عراق برای مقابله با رژیم به رسانه رادیو مجهز شده و در سال ۱۳۴۸ «رادیو نهضت روحانیت در ایران» را راه‌اندازی کردند. رادیویی که از حمایت دولت عراق برخوردار بود. رژیم با سیاست‌های خود، پا در مسیری نهاده بود که ایرانیان داخل و خارج را به صف مخالفان خود رانده بود. گویا وضعیت دوره قاجاری در حال تکرار بود. رادیو ایران نیز نه تنها مخاطبان داخلی خود که مخاطبان ایرانی خارج‌نشین خویش را از دست داده بود. از همین رو در آن زمان پخش برنامه‌های مذهبی از رادیو، توسط مخالفان به ریاکاری سیاسی تعبیر می‌شد. با وجود آن که از اواخر دهه چهل رژیم موفق شد تجهیزات فرستنده رادیویی خود را برای پوشش شبه قاره هند، خلیج فارس و عراق گسترش دهد، اما مخاطبان ایرانی رادیو ایران گوش به نوای رادیوهای بیگانه داشتند. رادیویی که در ابتدای تأسیس خود از اقبال ایرانیان خارج‌نشین برخوردار شده بود، اینک مخاطبانی غیرایرانی یافته بود. گسست دولت و ملت در داخل، اتباع ایرانی در خارج مرزها را نیز تحت تأثیر قرار داده بود.

#### پی‌نوشت:

از جمله این انجمن‌ها می‌توان به انجمن اخوت اسلامی ایرانیان بمبئی، ایران لیگ، انجمن زرتشتیان ایرانی هند، انجمن ایرانیان اسلامبول، انجمن جوانان فدایی ایران (بمبئی)، جمعیت معارف مدنی ایرانیان (باکو) و مؤسسه خیریه ایرانیان (نجف اشرف) اشاره کرد. در این بازه نگارنده مجموعه‌ای از اسناد این انجمن‌ها را در کتابی با عنوان اسنادی از انجمن‌ها و مؤسسه‌های فرهنگی - اجتماعی در دوره رضاشاه گردآورده است که توفیق انتشار نیافته است.

اسنادی از انجمن‌ها و مؤسسه‌های فرهنگی - اجتماعی در دوره رضا شاه، به کوشش رضا مختاری اصفهانی، مرکز اسناد ریاست جمهوری

(چاپ نشده) ص ۹۶  
 محمود افشاریزدیف مسأله ملیت و وحدت ملی ایران، مجله آینده، جلد دوم، شماره ۸، تهران ۲۵۳۶، ص ۵۶۱  
 در این مورد نگاه کنید به محمد توکلی طرقي، تجدد بومی و بازانديشي تاريخ، نشر تاريخ ايران، تهران ۱۳۸۰  
 تقی ارانی، زبان فارسی، مجموعه کامل ایرانشهر، جلد دوم، اقبال، تهران ۱۳۶۳، ص ۳۶۰  
 حسین کاظم‌زاده، انجمن اصطلاحات، مجموعه کامل ایرانشهر، جلد چهارم، اقبال، تهران ۱۳۶۴، ص ۱۹  
 اسنادی از تاریخچه رادیو در ایران (۱۳۴۵ - ۱۳۱۸ ه. ش)، به کوشش علیرضا اسماعیلی و دیگران، معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور - سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۷۹، صص ۲۶ - ۲۵  
 پیشین، ص ۷۵  
 فرهنگ ستیزی در دوره رضاشاه (اسناد منتشر نشده سازمان پرورش افکار) به کوشش محمود دلفانی، سازمان اسناد ملی ایران، تهران ۱۳۷۵، ص ۲  
 آرشیو مرکز اسناد ریاست جمهوری، پایگاه نخست وزیری، شماره بازیابی ۲۳۶  
 در این مورد نگاه کنید به اسنادی از مدارس ایرانی در خارج و مدارس خارجی در ایران (۱۳۱۷ - ۱۳۰۱)، به کوشش عیسی عبدی، مرکز اسناد ریاست جمهوری - سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۸۱  
 اسنادی از تاریخچه رادیو در ایران، صص ۵۷ - ۵۶  
 آرشیو مرکز اسناد ریاست جمهوری، پایگاه نخست وزیری، شماره بازیابی: ۲۳۶  
 اسنادی از تاریخچه رادیو در ایران، ص ۹۲  
 آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۱۹۰۰۰۳ - کد ۱۴۵  
 همانجا، شماره ۱۱۹۰۰۰۳ - کد ۱۳۴  
 آرشیو مرکز اسناد ریاست جمهوری، اسناد سازماندهی نشده  
 اسنادی از تاریخچه رادیو در ایران، ص ۵۱۱  
 آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۳۹۲۰۵۷  
 اسنادی از صورت جلسات کمیسیون بررسی مسائل روز، به کوشش علیرضا اسماعیلی، مرکز اسناد ریاست جمهوری (چاپ نشده) ج ۲ ص ۴۵۸  
 آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۳۹۲۰۵۶  
 همانجا، شماره بازیابی ۱۱۰۳۰۷۶  
 اسنادی از صورت جلسات کمیسیون بررسی مسائل روز، ج ۱، ص ۱۶۱ و ص ۲۸۱